



انجمن حسابرسی

پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی

دوره یازدهم، شماره ۲۱، پائیز و زمستان ۱۴۰۱

صص ۲۷۹-۲۴۵

بررسی تأثیر تعدیل‌کنندگی توانایی مدیریتی بر رابطه بین احتیاط مدیریتی و تحریف‌های با اهمیت

مهدی مرادی*، ابوالفضل سلیمانی** اعظم پوریوسف***

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین احتیاط مدیریتی و تحریف‌های با اهمیت مبنای تعدیل گزارش حساب‌رسان و همچنین بررسی اثر تعدیل‌کنندگی توانایی مدیریتی بر این رابطه است. داده‌های به کار گرفته شده، شامل ۱۳۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ است. برای تجزیه تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون لجستیک بر مبنای داده‌های تابلویی استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد احتیاط مدیریتی بر تحریف‌های با اهمیت مبنای تعدیل گزارش حساب‌رسان تأثیر مثبت دارد. این یافته نشان می‌دهد تأثیر مثبت اقدامات احتیاطی بر کارایی سرمایه‌گذاری و بهبود عملکرد شرکت‌ها که در تحقیقات قبلی تأیید شده است، در اقتصادهای تورمی نظیر ایران، دستخوش تغییر می‌شود. در این شرایط، احتیاط مدیریتی کاهش قدرت خرید منابع نقدی و افزایش ارزش دارایی‌های سرمایه‌ای و در نتیجه کاهش عملکرد و تمایل مدیران به تحریف صورت‌های مالی را به دنبال دارد. تحقیق حاضر همچنین نشان می‌دهد توانایی مدیر بر تحریف‌های با اهمیت مبنای تعدیل گزارش حساب‌رسان تأثیر مثبت دارد که از دیدگاه فرصت‌طلبانه توانایی مدیر حمایت می‌کند. این دیدگاه کمتر در پژوهش‌های مرتبط مخصوصاً پژوهش‌های داخلی مورد توجه قرار گرفته است و در نهایت تأثیر تعدیل‌کنندگی توانایی مدیر بر رابطه احتیاط مدیریتی و تحریف‌های با اهمیت مبنای تعدیل گزارش حساب‌رسان مورد بررسی قرار گرفت و تأیید نگردید. به عبارتی، توانایی مدیر بر تحریف‌های با اهمیت افشا شده در گزارش حساب‌رسان مستقل تأثیر مثبت دارد ولی نمی‌تواند رابطه احتیاط مدیریتی و تحریف‌های با اهمیت افشا شده را تعدیل نماید.

واژه‌های کلیدی: احتیاط مدیریتی، تحریف صورت‌های مالی، توانایی مدیر

* استاد حسابداری، دانشکده علوم اداری اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

** کارشناس ارشد حسابرسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

*** عضو هیئت علمی گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰

نویسنده مسئول: مهدی مرادی

mhd_moradi@um.ac.ir

مقدمه

با نقد محافظه‌کاری حسابداری، به دلیل کاهش کیفیت و شفافیت اطلاعات حسابداری، و حذف آن از چارچوب نظری توسط هیئت استانداردهای حسابداری مالی و هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی، در سال ۲۰۱۰، مفهوم احتیاط، برای نیاز به دقت در مواجهه با شرایط عدم اطمینان مورد توجه قرار گرفته است. هدف مفهوم احتیاط مدیریتی مشابه محافظه‌کاری حسابداری است، ولی احتیاط مدیریتی روش مناسب‌تری برای پاسخگویی به شرایط عدم اطمینان است (هیس و همکاران، ۲۰۱۲).

مفهوم احتیاط به گرایش و تمایل تصمیم‌گیرنده به انجام اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه در شرایط عدم اطمینان اشاره دارد. تصمیم‌گیرنده در حالت کلی، می‌تواند دو اقدام احتیاطی، شامل به تاخیر انداختن تصمیم‌گیری (تا رفع شرایط عدم اطمینان) و کاهش عمدی هزینه‌های اختیاری (از طریق افزایش پس‌انداز احتیاطی) به عنوان سازوکارهای اصلی اختیارات مدیریت عنوان نمود. سازوکار اختیارات سرمایه‌گذاری در دارایی‌های سرمایه‌ای، بر کاهش یا توقف سرمایه‌گذاری در دارایی سرمایه‌ای و سازوکار پس‌انداز احتیاطی بر کاهش یا توقف هزینه‌های اختیاری و استخدام اشاره دارد. شرکت‌ها معمولاً برای حفظ وضعیت مالی و جریان‌های نقدی خود تلاش می‌کنند که استخدام کارکنان، سرمایه‌گذاری در دارایی‌های سرمایه‌ای و هزینه‌های اختیاری را کاهش دهند یا ثابت نگه دارند (هیس و همکاران، ۲۰۱۲). بلوم (۲۰۰۹) نشان داده است، شرکت‌ها در مواجهه با عدم اطمینان، حقوق و دستمزد پرداختنی خود را کاهش می‌دهند و هان و کیو (۲۰۰۷) در پژوهش خود دریافته‌اند، شرکت‌ها در مواجهه با عدم اطمینان، هزینه‌های اختیاری را برای افزایش پس‌اندازهای احتیاطی خود، کاهش می‌دهند.

از طرفی گزارشگری مالی برای پاسخگویی مدیران در برابر استفاده‌کنندگان است و شفافیت گزارش‌های مالی می‌تواند بر فرآیند تصمیم‌گیری و کاهش مخاطرات مربوط مؤثر باشد. با توجه به تضاد نمایندگی بین مدیریت و مالکیت و آثار زیان‌باری که رسوایی‌های مالی در سال‌های اخیر به وجود آورده است توجه به بحث تحریف در صورت‌های مالی را افزایش داده است (علیخانی دهقی و همکاران، ۱۳۹۹). تحریف‌ها نه تنها بر هزینه هستند بلکه می‌توانند تأثیرات غیرمالی جدی و شدیدی نیز داشته باشند. تحریف‌هایی که مدیران مرتکب می‌شوند در بلندمدت می‌تواند بر روحیه کارمند و اعتماد

سهامداران و سایر ذینفعان تأثیر بگذارند (خلیفه سلطانی و نایب محسنی، ۱۳۹۷). لذا استفاده کنندگان، خواهان بهبود قابلیت اتکا و اعتماد اطلاعات مالی هستند؛ اطلاعاتی از دید آنان قابل اتکا و اعتماد است که یک سازمان مستقل بر فرآیند گزارشگری آن نظارت کرده باشد. در این بین، عموم مردم به حسابرسان به عنوان یک گروه معتبر و مستقل می‌نگرند (انصاری و کمالی کرمانی، ۱۳۹۱). حسابرسی مستقل، به عنوان قسمت عمده فرایند نظارت و بازرسی شرکت‌ها، اطمینان می‌بخشد اطلاعات موجود در گزارش‌های مالی به طور منصفانه و صحیح ارائه شده‌است (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). در واقع حسابرس مسئولیت کشف تحریف‌های با اهمیت در گزارش‌های مالی و اعتباردهی را دارد (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۷). تحریف‌های مالیاتی، تحریف در برآوردهای حسابداری، تخلف از قوانین، تحریف ناشی از اشتباه در بکارگیری رویه‌های حسابداری و سایر تحریف‌های مالی ممکن، تحریف‌هایی هستند که توسط عملیات حسابرسی مستقل کشف و گزارش می‌شوند.

احتیاط مدیریتی، تمایل و توانایی مدیر برای انجام اقدامات پیشگیرانه در مواجهه با عدم اطمینان است و شواهد تجربی (هیسسه و همکاران، ۲۰۱۲ و هاشمی و همکاران، ۱۳۹۳)، نشان دهنده تأثیر مثبت احتیاط مدیریتی بر عملکرد مالی و عملیاتی و کاهش محافظه‌کاری است. از این رو انتظار می‌رود احتیاط مدیریتی، کیفیت گزارشگری مالی را افزایش و در نتیجه تحریف‌های با اهمیت گزارش شده در گزارش حسابرس را کاهش دهد. ولی اقدامات احتیاطی، بر کاهش یا توقف سرمایه‌گذاری در دارایی‌های سرمایه‌ای، کاهش یا توقف هزینه‌های اختیاری و استخدام و در نتیجه افزایش منابع نقدی موثر خواهد بود. در اقتصادهای تورمی نظیر ایران، این اقدامات ممکن است، کاهش قدرت خرید منابع نقدی، افزایش ارزش دارایی‌های سرمایه‌ای و در نتیجه کاهش عملکرد و تحریف صورت‌های مالی توسط مدیر را به دنبال داشته باشد. از این رو انتظار می‌رود احتیاط مدیریتی نتایج مورد انتظار در خصوص تأثیر مثبت احتیاط مدیریتی بر عملکرد مالی و شفافیت گزارشگری را دستخوش تغییر کند. با توجه به این تناقض و اهمیت سازوکارهای احتیاطی مدیران بر عملکرد شرکت، ضروری است رابطه بین احتیاط مدیریتی و تحریف‌های با اهمیت بررسی شود.

از آنجا که مدیران مسئولیت استفاده از منابع مالی را بر عهده دارند، انتظار می‌رود

مدیران توان‌تر با تامین منافع ذینفعان و ایفای مسئولیت پاسخگویی با افزایش کیفیت افشای اطلاعات، عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهند که منجر به ارائه وضعیت مالی واحد تجاری به صورت منصفانه گردد (علیخانی دهقی و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین افزایش توانایی مدیران منجر به کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران و در نتیجه کیفیت سود و افزایش سطح افشای اطلاعات می‌شود (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲). طبق این توضیحات انتظار می‌رود توانایی مدیر بر کیفیت گزارشگری و در نتیجه تحریف‌های با اهمیت کشف شده موثر باشد.

در تحقیق حاضر تأثیر رابطه بین احتیاط مدیریتی به عنوان نوعی مدیریت اطلاعات و تحریف‌های با اهمیت افشا شده در گزارش حساب‌برسان مستقل و نقش تعدیل‌کنندگی توانایی مدیریتی بر این رابطه بررسی شده است. نوآوری‌های تحقیق حاضر را می‌توان در سه مورد برشمرد: اول، توسعه مبانی نظری احتیاط مدیریتی و بررسی تأثیر احتیاط مدیریتی بر تحریف‌های با اهمیت مبنای تعدیل گزارش حساب‌برسان و همچنین تأثیر متغیر توانایی مدیر بر این رابطه، که تا کنون مورد بررسی قرار نگرفته است. دوم، مورد توجه قرار دادن اقدامات احتیاطی در شرایط اقتصادی تورمی که بر کارایی سرمایه‌گذاری و عملکرد شرکت‌ها تأثیر معکوس می‌گذارد و در این خصوص مبانی نظری و تئوری‌های موجود را توسعه می‌دهد. سوم، گسترش افق مطالعات مرتبط با توانایی مدیر در دیدگاه فرصت‌طلبانه و ارتباط دیدگاه فرصت‌طلبانه توانایی مدیر بر تحریف‌های با اهمیت صورت‌های مالی. در ادامه پس از مرور مبانی نظری، پیشینه تجربی و بسط فرضیه‌ها، روش‌شناسی، یافته‌های پژوهش و در پایان نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌گردد.

مبانی نظری، پیشینه تجربی و بسط فرضیه‌ها

احتیاط مدیریتی

احتیاط ابتدا در اقتصاد مورد توجه قرار گرفت. برنانک (۱۹۸۳) احتیاط را به عنوان تمایل و توانایی برای انجام اقدامات پیشگیرانه در مواجهه با عدم اطمینان درک شده توسط تصمیم‌گیرنده تعریف نمود. احتیاط را می‌توان به عنوان توانایی برتر در تشخیص تهدیدات یا فرصت‌های نوظهور در نظر گرفت. مانند تحولات غیر منتظره سیاسی، اقتصادی یا فناوری، که باعث می‌شود زمان بیشتری برای جمع‌آوری اطلاعات و نتایج لازم فراهم شود.

در تصمیمات بهتر در ابتدایی‌ترین سطح، تصمیم‌گیرنده می‌تواند دو اقدام احتیاطی را انجام دهد: ۱. تصمیمات مربوط به هزینه‌های اختیاری، به آینده موکول شود و ۲. هزینه‌های اختیاری کاهش یابد تا موجب افزایش پس‌انداز احتیاطی شود. اگرچه دو مکانیسم اقتصادی که برای توضیح احتیاط پیشنهاد شده‌اند از نظر مفهومی مجزا هستند، اما مؤید انتظارات تجربی هستند که سودآوری بلندمدت مورد انتظار شرکت را بهبود می‌بخشد. با این وجود، احتیاط بیش از حد می‌تواند باعث از بین رفتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآور شود (بیتز و همکاران، ۲۰۰۹).

هیسه و همکاران (۲۰۱۲) با استفاده از دیدگاه‌های تئوریک از اقتصاد و زیست‌شناسی تکاملی، استدلال کردند که فعالیت برخی شرکت‌ها مستلزم احتیاط است. احتیاط در این کاربرد به معنای دقیق بودن از قبل و دقت بیشتر است. آن‌ها یک اندازه‌گیری تجربی از احتیاط ارائه نمودند و نشان دادند مطابق با پیش‌بینی‌های نظری، شرکت‌های محتاط، سودآوری طولانی‌مدت و احتمال شکست کمتری دارند. آن‌ها همچنین نشان دادند که شرکت‌های محتاط محافظه‌کاری حسابداری شرطی کمتری را نشان می‌دهند، و به دلیل اینکه محافظه‌کاری حسابداری، نوعی سوگیری در اطلاعات گزارش شده است و خالص‌داری‌ها را بصورت سیستماتیک در مقایسه با ارزش اقتصادی شرکت کمتر از واقع نشان داده (زلقی و بیات، ۱۳۹۴)، و محتوای اطلاعاتی گزارش‌های مالی (قالیباف اصل و همکاران، ۱۳۹۴) و اعتماد سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان را کاهش می‌دهد (امیرحسینی و هادیان‌پور، ۱۳۹۷)، بنابراین بسیار پرهزینه است. از آنجایی که هم محافظه‌کاری و هم احتیاط مدیریتی، به دنبال اهداف مشابهی مانند کاهش احتمال زیان هستند، وجود احتیاط مدیریتی روش مناسب‌تری برای پاسخگویی به شرایط عدم اطمینان است که می‌تواند نیاز به روش‌های محافظه‌کارانه را کاهش دهد. این شواهد با این استدلال سازگار است که احتیاط مدیریتی و محافظه‌کاری حسابداری جایگزین یکدیگرند. به این معنا که تقاضای محافظه‌کاری فقط در غیاب احتیاط خواهد بود. هیسه و همکاران (۲۰۱۲) با ترکیب بینش‌های نظری از اقتصاد و زیست‌شناسی تکاملی، نشان دادند که ارتباط بین احتیاط مدیریتی و اقدامات معمول ریسک ذاتی در عملکرد شرکت، انحراف استاندارد در بازده‌داری‌ها و جریان وجوه نقد، کم اما به میزان قابل توجهی مثبت است. این نتیجه نشان می‌دهد که اقدامات احتیاطی با خوش‌بینی مفرط و ریسک افراطی متمایز است. چن و

همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند که انگیزه احتیاط، توضیحی جدی‌تر برای ارتباط مثبت بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی است که از فرضیه علامت‌دهی حمایت می‌کند. در مدیریت سود واقعی که از طریق دستکاری در فعالیت‌های واقعی انجام می‌شود، استدلال می‌شود که مدیران غالباً مایل به کاهش هزینه‌های اختیاری (به عنوان مثال تحقیق و توسعه و تبلیغات) برای رسیدن به هدف عملکردی خود هستند (رویچودھاری، ۲۰۰۶؛ کوهن و همکاران، ۲۰۰۸؛ بوجراج و همکاران، ۲۰۰۹؛ گانی، ۲۰۱۱؛ بدردرسر، ۲۰۱۱ و زنگک، ۲۰۱۲). ولی هیسه و همکاران (۲۰۱۲) استدلال نمودند گرچه مدیران ناشایست حاضرند به خاطر منافع کوتاه‌مدت فعالیت اقتصادی را تحریف کنند، اما بیشتر مدیران تصمیم خود را با حسن نیت می‌گیرند. از آنجا که تصمیمات بهینه در مواجهه با عدم اطمینان به عنوان یک قاعده، مستلزم کاهش در هزینه‌های اختیاری است، این کاهش به خودی خود کافی نیست که استنباطی درباره رفتار فرصت‌طلبانه مدیران باشد. همانطور که چن و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند که شرکت‌هایی که اقدام به مدیریت سود واقعی نمودند، عملکرد بهتری در آینده و بازده بازار داشتند که با فرضیه علامت‌دهی چن و همکاران (۲۰۱۰) همخوانی دارد.

به طور کلی احتیاط در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی مورد مطالعه قرار گرفته‌است. اما تاکنون در متون حسابداری نادیده گرفته شده‌است. احتیاط مدیریتی تأثیر قابل ملاحظه‌ایی در توضیح عملکرد مدیر و عملکرد شرکت دارد و شایستگی تحقیقات بیشتری دارد. در این رابطه مطالعه هیسه و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد که احتیاط مدیریتی سبب کاهش محافظه‌کاری حسابداری و افزایش عملکرد عملیاتی می‌شود و همچنین بررسی هاشمی و همکاران (۱۳۹۳) نیز نشان داد که احتیاط مدیریتی، بازده دارایی‌ها و حاشیه سود عملیاتی را افزایش و همچنین محافظه‌کاری حسابداری را کاهش می‌دهد.

در رابطه با توضیح احتیاط مدیریتی، دو سازوکار در اقتصاد پیشنهاد شده است: (۱) سازوکار عملیات واقعی و (۲) سازوکار پس‌انداز احتیاطی. هیسه و همکاران (۲۰۱۲) استدلال می‌کنند که احتیاط، اول) یک پدیده واقعی است که در طول تاریخ ثبت شده انسانی به عنوان فضیلت شناخته شده است، دوم) سودآوری شرکت را افزایش می‌دهد، سوم) احتمال شکست تجاری را کاهش می‌دهد و چهارم) با محافظه‌کاری حسابداری (مشروط) رابطه منفی دارد.

تئوری‌های اقتصادی احتیاط، در رابطه با عملیات واقعی شرایطی را در نظر می‌گیرد که تصمیمات برگشت‌ناپذیر باشد. در این شرایط که در مورد بیشتر پروژه‌های سرمایه‌گذاری صادق است، هزینه‌های تعدیل نامتقارن هستند. در شرایط تصمیمات چند دوره‌ای، برگشت‌ناپذیری و رقابت ناقص، توانایی صبر کردن تا مرتفع شدن عدم قطعیت برای تصمیم‌گیرنده بسیار ارزشمند است. هنری (۱۹۷۴)، کوکیمن (۱۹۸۰) و برنانک (۱۹۸۳) از جمله اولین مطالعاتی هستند که به طور رسمی رابطه منفی بین عدم اطمینان و سرمایه‌گذاری را نشان می‌دهند. این مطالعات نشان می‌دهد که افزایش عدم اطمینان باعث افزایش ارزش مکانیزم عملیات واقعی می‌شود، تا زمانی که عدم اطمینان برطرف شود. در این مطالعات برای تأکید بر تمایز بین احتیاط و ریسک‌پذیری، تصمیم‌گیرنده‌های خنثی به ریسک در نظر گرفته شدند. برنانک (۱۹۸۳) دریافت از کلیه نتایج احتمالی ناشی از سرمایه‌گذاری فقط نتایج نامطلوب بر تمایل فعلی برای انجام یک پروژه معین تأثیر می‌گذارد و یک افزایش کوچک در احتمال بروز فاجعه را نمی‌توان با خبر خوب بالقوه در تأثیر آن بر خریدهای فعلی جبران کرد. هارتمن (۱۹۷۲) و ابل (۱۹۸۳) دریافتند که تحت شرایط خاص، رابطه بین سرمایه‌گذاری و عدم اطمینان مثبت است. کابالرو (۱۹۹۱) توضیح می‌دهد که جهت رابطه سرمایه‌گذاری و عدم اطمینان به نوع عملکرد تولید و میزان رقابت بستگی دارد. وقتی بازار به اندازه کافی رقابتی است، رابطه مثبت است. بعد از این مطالعات، نظریه‌پردازان اقتصادی که بر روی مکانیزم‌های عملیات واقعی کار کرده‌اند، سعی کردند بین ریسک (نتیجه مورد استفاده) و عدم اطمینان (ابهام) تمایز قائل شوند. ماو و وانگ (۲۰۱۱) نشان دادند، اگر سرمایه‌گذاری در پروژه، عدم اطمینان را کاهش دهد، پس ابهام بیشتر باعث می‌شود تصمیم‌گیرنده این گزینه را زودتر انجام دهد.

اما در اکثر شرایط واقعی، مدیران نسبت به رویدادهای آینده مانند تغییرات غیر منتظره در سیاست، فناوری و یا محیط اقتصادی اطمینان ندارند. به این ترتیب آن‌ها نمی‌توانند توزیع احتمالی را تعیین کنند و در نتیجه با ابهام سروکار دارند. مطالعات اخیر برای مدل‌سازی ابهام (نیشیمورا و اوزاکی، ۲۰۰۴ و ماو و وانگ، ۲۰۱۱)، بینش‌های نظری مهمی را ارائه می‌دهند اما تصمیمات سرمایه‌گذاری در زندگی واقعی را کشف نکرده‌اند. این امر به این دلیل است که رابطه مثبت بین سرمایه‌گذاری و ابهام گزارش شده در این مطالعات در شرایطی به‌دست می‌آید که عدم اطمینان با استفاده از گزینه واقعی به طور کامل برطرف

می‌شود. در حالی که در واقعیت تصویب یک پروژه سرمایه‌گذاری نشان‌دهنده تعهد است و عدم اطمینان در مورد جریان‌های نقدی آینده یا اقدامات رقبا را برطرف نمی‌کند.

رویکرد دیگر برای تفسیر انتظارات نظری متناقض در خصوص رابطه سرمایه‌گذاری و عدم اطمینان، قرار دادن هر دو نظریه در آزمون تجربی است. مطالعات در این زمینه، حمایت گسترده‌ای از رابطه منفی بین عدم اطمینان و سرمایه‌گذاری ارائه داده‌اند (هورن و رایت، ۱۹۹۴؛ لیهی و وایتد، ۱۹۹۶؛ جوسو و پریجی، ۱۹۹۹). قانع‌کننده‌ترین شواهد تجربی توسط بلوم (۲۰۰۹) گزارش شده است که از اقدامات ناپایداری ضمنی برای استنباط عدم اطمینان استفاده می‌کند و سقوط سریع در استخدام، سرمایه‌گذاری، تولید کل و رشد بهره‌وری را با افزایش عدم اطمینان گزارش نموده است. هیسسه و همکاران (۲۰۱۲) از این نتایج به عنوان راهنمایی در تدوین اقدامات احتیاطی خود استفاده نمودند. حمایت قابل توجه تجربی از رابطه منفی بین عدم اطمینان و سرمایه‌گذاری جای تعجب ندارد، زیرا احتیاط حداقل دو هزار سال به عنوان یک فضیلت شناخته شده است. بنابراین احتیاط در مواجهه با عدم اطمینان به عنوان یک قاعده کلی سودمند است.

نظریه‌های اقتصادی احتیاط در رابطه با به‌مکانیزم پس‌انداز احتیاطی به اقدامات احتیاطی و افزایش پس‌انداز اشاره دارند (لیند، ۱۹۶۸؛ دریز و مودیگیلیانی، ۱۹۷۲ و کیمبال، ۱۹۹۰). این مطالعات نشان دادند که انگیزه احتیاطی قوی‌تر از ریسک‌گریزی است (کارول و کیمبال، ۲۰۰۸). مکانیزم ذخیره احتیاطی از طریق دو کانال بر تصمیم‌گیری شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد. اول، همانطور که هیلاری و هوی (۲۰۰۹) نشان دادند، تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌ها تحت تأثیر ترجیحات ریسک‌مدیران است. از آنجا که تأثیر انگیزه احتیاطی، بیشتر از آن است که از خطر جلوگیری کند، اثر احتیاط باید قوی‌تر باشد. پس‌انداز احتیاطی می‌تواند مستقیماً در شرکت‌ها به کار رود و در شرکت‌هایی که با محدودیت‌های تأمین مالی روبرو هستند بیشتر است (هان و کیو، ۲۰۰۷ و ریدک و وایت، ۲۰۰۹). کانال دوم به طور گسترده در ادبیات مالی مورد بررسی قرار گرفته است. شواهد تجربی (به عنوان مثال بیتز و همکاران، ۲۰۰۹ و دنیس و سیبیلکوف، ۲۰۱۰) نشان می‌دهند که افزایش چشمگیر در منابع نقدی در طول زمان با انگیزه احتیاط مرتبط است. باید توجه داشت که محدودیت‌های تأمین مالی احتمالاً درون‌زا هستند زیرا به عدم اطمینان مربوط می‌شوند و شرکت‌هایی که توسط مدیران محتاط اداره می‌شوند احتمالاً دسترسی آسان‌تر

به بازارهای سرمایه دارند (باتلر و همکاران، ۲۰۱۱). مسن آبادی فراهانی و همکاران (۱۳۹۶) نیز گزارش نمودند احتیاط مدیران بر حساسیت سرمایه گذاری به جریان های نقدی تأثیر گذار است.

توانایی مدیریتی، احتیاط مدیریتی و تحریف های با اهمیت صورت های مالی

پیدایش شرکت های سهامی منجر به مشکل نمایندگی گردید و همچنین طبق تئوری اثباتی هر فردی به دنبال حداکثر کردن منافع و ثروت خویش است. مدیران نیز از این قاعده مستثنی نیستند. در نتیجه تحریف ها در صورت های مالی از این طریق زاده شد و قدمت طولانی دارد. تحریف ها صدماتی در سطح خرد به سرمایه گذاران و سایر ذینفعان و در سطح کلان به اقتصاد وارد می نمایند (صفی پور افشار و همکاران، ۱۳۹۷). تغییر در اطلاعات و داده های صورت های مالی می تواند بر تصمیم گیری اثر گذار باشد (عبداله زاده و همکاران، ۱۳۹۷). اتخاذ هرگونه تصمیم بر اساس اطلاعاتی که دارای تناقض با واقعیت، جانب دارانه و فریب کارانه باشد، می تواند زیان های جبران ناپذیری به بار آورد که آثار سو این گونه زیان ها می تواند گریبانگیر سرمایه مالی و فکری تصمیم گیرندگانی باشد که بر اساس این اطلاعات اقدام به اخذ تصمیم کرده اند (عبدلی و نادعلی، ۱۳۹۴). وجود تحریف، انگیزه سرمایه گذاری را از افراد گرفته و سبب کاهش فعالیت های مولد می شود. همچنین حجم تحریفات یکی از شاخص های اصلی فساد می باشد که خود مانعی برای سرمایه گذاری به حساب می آید (لمبزدورف، ۲۰۰۳). وجود تحریف در صورت های مالی، به هدف و فلسفه وجودی صورت های مالی خدشه وارد کرده (بیات و جدیری نقاش کار، ۱۳۹۹)، و باعث کاهش اعتماد عمومی می شود (ولاد و همکاران، ۲۰۱۱ و عباسی و فهیمی، ۱۳۹۹)، و برگرداندن این اعتماد مستلزم صرف هزینه و زمان زیادی است. همچنین تحریفات کارایی تخصیصی در بازار سرمایه را از بین می برد، یعنی منابع سرمایه گذاری روانه شرکت ها و پروژه هایی که بازده متناسب با ریسک بالاتری ارائه می کنند نمی شود (استوت، ۱۹۸۸). از این رو گسترش میزان تحریف ها و ارائه های مجدد که اغلب با درماندگی و ورشکستگی شرکت های بزرگ در هم آمیخته، نگرانی هایی را درباره کیفیت صورت های مالی به همراه داشته است. لذا پیشگیری یا کشف تحریف های با اهمیت در صورت های مالی همواره مورد توجه سرمایه گذاران، قانون گذاران، مدیران و حسابرسان

بوده است و در این میان مسئولیت اصلی به عهده مدیریت واحد مورد رسیدگی می‌باشد (حساس‌یگانه و مداحی، ۱۳۸۸)، که باید درباره درستی سیستم‌های حسابداری و گزارشگری مالی واحد مورد رسیدگی و برقرار بودن کنترل‌های داخلی اطمینان کسب نماید (موسوی ییوکی و برزگری خانقاه، ۱۳۹۵)، و مسئولیت خود را به وسیله تاییدیه مدیران به طور رسمی به حساب‌رسان اعلام و تقبل نماید (شمس و ملانظری، ۱۳۹۸).

استانداردهای حسابرسی ایران تحریف‌ها را ارائه نادرست اطلاعات در صورت‌های مالی تعریف کرده است. تحریف‌ها می‌تواند ناشی از اشتباه یا تقلب باشد (استانداردهای حسابرسی، ۲۰۰، بند ۱۳). مدیریت و کارکنان ممکن است تحت فشارهای مالی و یا غیرمالی اقدام به ایجاد ابهام و تحریف در صورت‌های مالی نمایند (برزگر و ابراهیمی، ۱۳۹۹)، فشار ممکن است ناشی از نوسانات اقتصادی واحد تجاری (ممشلی و کارشناسان، ۱۳۹۸)، انتظارات غیر واقع بینانه تحلیلگران در مورد سود، ساختارهای پاداش و انگیزشی، نیاز به تامین مالی خارجی، و عملکرد ضعیف باشد (نظری پور و مقصودپور، ۱۳۹۹)، که ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری مدیر و کارکنان در تحت تأثیر قرار گرفتن از این فشارها نقش به‌سزایی دارد. مدیران متقلب با تحریف صورت‌های مالی، سعی دارند آنچه را که عموم ذینفعان دوست دارند ببینند، نشان دهند. با این حال مدیران بسیاری به دلیل مسایل اخلاقی و نیز بالا بودن هزینه‌های شخصی دستکاری گزارشگری مالی مانند خطراتی مثل اخراج و دعاوی حقوقی، اقدامات متقلبانه انجام نمی‌دهند (چن و همکاران، ۲۰۲۱).

استاندارد حسابرسی ۳۲۰، بند ۲، تحریف با اهمیت را این گونه تعریف می‌نماید: "تحریف‌ها شامل اطلاعات گزارش نشده، زمانی با اهمیت تلقی می‌شود که انتظار برود به تنهایی یا در مجموع، بتواند بر تصمیمات اقتصادی استفاده‌کنندگان اثر بگذارد که بر مبنای صورت‌های اتخاذ می‌شود."

زمانیکه بحث تحریف بیان می‌شود باید به طور ناگزیری عوامل انسانی نیز مطرح شود. لذا نیاز است تا از یک دیدگاه رفتاری و فردی نیز انگیزه‌های مدیران را توصیف کرد (خواجه‌وی و همکاران، ۱۳۹۷). از آنجایی که احتیاط مدیریتی تمایل و توانایی برای انجام اقدامات پیشگیرانه در مواجهه با عدم اطمینان است و باعث تشخیص بهتر تهدیدات یا فرصت‌های نوظهور می‌شود و از طرف دیگر محافظه‌کاری حسابداری را کاهش می‌دهد و همچنین شواهد تجربی (هیسه و همکاران، ۲۰۱۲ و هاشمی و همکاران، ۱۳۹۳) نشان دهنده

تأثیر مثبت احتیاط مدیریتی بر عملکرد مالی و عملیاتی و کاهش محافظه‌کاری است، انتظار می‌رود احتیاط مدیریتی، کیفیت و شفافیت گزارشگری مالی را افزایش دهد و در نتیجه تحریف‌های با اهمیت گزارش شده در گزارش حسابرس را کاهش دهد. ولی از طرف دیگر اقدامات احتیاطی، شامل سازوکار اختیارات سرمایه‌گذاری در دارایی‌های سرمایه‌ای، بر کاهش یا توقف سرمایه‌گذاری در دارایی سرمایه‌ای و سازوکار پس‌انداز احتیاطی بر کاهش یا توقف هزینه‌های اختیاری و استخدام و در نتیجه افزایش منابع نقدی اشاره دارد. این اقدامات در شرایط تورمی ایران، کاهش قدرت خرید منابع نقدی و افزایش ارزش دارایی‌های سرمایه‌ای و در نتیجه کاهش عملکرد و تحریف صورت‌های مالی توسط مدیر را به دنبال دارد. از این‌رو احتمال دارد احتیاط مدیریتی نتایج مورد انتظار در خصوص تأثیر مثبت احتیاط مدیریتی بر عملکرد مالی و شفافیت گزارشگری را دستخوش تغییر کند. همانطور که کابلرو (۱۹۹۱) رابطه عدم اطمینان و سرمایه‌گذاری را منوط به نوع عملکرد تولید و میزان رقابت گزارش نمود و نشان داد، وقتی بازار به اندازه کافی رقابتی است، این رابطه مثبت است. طبق این دسته از شواهد تجربی احتیاط مدیریتی با کاهش عدم اطمینان بر سرمایه‌گذاری و عملکرد عملیاتی و مالی تأثیر منفی دارد. از این‌رو فرضیه اول بدون جهت و به این صورت تدوین می‌گردد:

فرضیه اول: احتیاط مدیریتی با تحریف‌های با اهمیت گزارش شده در گزارش حسابرس

رابطه معنادار دارد.

مدیران از جمله سرمایه‌های انسانی هستند که نقش مهمی در تبدیل منابع شرکت به ثروت برای سهامداران دارد. از این‌رو توانایی آن‌ها یکی از ابعاد مهم دارایی‌های نامشهود محسوب می‌شود (محمدی و همکاران، ۱۳۹۹). توانایی مدیر، کیفیت افشای اطلاعات، رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران، عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی را کاهش می‌دهد (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲)؛ کیفیت کنترل داخلی را افزایش می‌دهد (قادری و همکاران، ۱۳۹۸)؛ درک استانداردهای حسابداری را بهبود می‌بخشد (وانگ و همکاران، ۲۰۱۷ و دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۳)؛ نامتقارنی اطلاعات را کاهش می‌دهد (آندرو و همکاران، ۲۰۱۷)؛ درک و تحلیل ریسک را افزایش می‌دهد (بزرگ‌اصل و صالح‌زاده، ۱۳۹۴) و نیز ارائه صادقانه سود حسابداری و در نتیجه شفافیت گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد (ماتسونوگا و همکاران، ۲۰۱۳). از این‌رو توانایی مدیر، تحریف در صورت‌های

مالی را کاهش می‌دهد (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۹) و تسهیل فرآیند رسیدگی حساب‌رسان و در نهایت به افزایش کیفیت حسابرسی و صدور اظهار نظر مقبول توسط حساب‌رس را به دنبال دارد (عطایی شریف و همکاران، ۱۳۹۹). از طرفی مدیران با توانایی بالا، نگرانی‌های شغلی بیشتری دارند و احتمال دارد منابع شرکت را مصادره کنند و یا به خاطر انگیزه‌های شخصی، دست به تحریف بزنند (هایدر و همکاران، ۲۰۲۱ و عباسی و فهیمی، ۱۳۹۹).

این تناقض در خصوص ارتباط توانایی مدیر و عملکرد شرکت، توسط مطالعه حبیب و حسن (۲۰۱۷) نیز مورد اشاره قرار گرفته است. در این مطالعه دو دیدگاه مطرح شد. دیدگاه خوش‌بینانه، به کارگیری اقتصادی‌داری‌های شرکت در وقت و زمان مناسب و افزایش ثروت سهام‌داران توسط مدیران توانا اشاره دارد. یافته‌های ژانگ (۲۰۱۳)؛ کالن و فانگ (۲۰۱۳ و ۲۰۱۵)؛ روبین و ژانگ (۲۰۱۵)؛ کیم و ژانگ (۲۰۱۶) و بزرگ‌اصل و صالح‌زاده (۱۳۹۴) به این جنبه اشاره دارند. در دیدگاه بدبینانه، علاوه بر اینکه بر اساس تئوری نمایندگی و تضاد منافع بین مدیران و مالکان، مدیران ممکن است توانایی، هوش و استعداد خود را در جهت کسب بازده شخصی به کار گیرند، ممکن است به دلیل توانمندی، اعتماد بالایی به خود داشته و سرمایه‌گذاری‌ها را افزایش و همچنین بازده سرمایه‌گذاری را بیشتر برآورد کنند که بر کارایی سرمایه‌گذاری و سودآوری شرکت تأثیر منفی خواهد داشت. یافته‌های هاتن و همکاران (۲۰۰۹)؛ کیم و لو (۲۰۱۱)؛ چیانگ (۲۰۱۳)؛ آندرو و همکاران (۲۰۱۶)؛ کیم و همکاران (۲۰۱۶)؛ المامون و همکاران (۲۰۲۰) و مرادزاده فرد (۱۳۹۵) به جنبه بدبینانه توانایی مدیر اشاره دارد.

دمرجیان (۲۰۱۲) تأثیر توانایی مدیر بر تحریف عمدی صورت‌های مالی (مدیریت سود) را بررسی کردند و دریافتند که مدیران توانمند قادر به مدیریت موفق سود هستند و توانایی مدیران با مدیریت سود اقلام تعهدی رابطه مثبت و با مدیریت سود واقعی رابطه منفی دارد و پیامدهای منفی مدیریت سود در مدیران توانا کمتر است. دمرجیان و همکاران (۲۰۱۷) گزارش نمودند که بین توانایی مدیریت و کیفیت گزارش‌های مالی رابطه مثبتی وجود دارد و مدیران توانمندتر گزارش سود را با کیفیت بالاتری نشان می‌دهند. دایرننگ و همکاران (۲۰۱۰) نیز تایید نمودند ویژگی‌های مدیران به واسطه نرخ‌های مالیاتی موثر، می‌تواند بر موقعیت‌های مالیاتی تهاجمی موثر باشند. در تحقیقات داخلی نیز تأثیر مثبت توانایی مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری (پیری و همکاران،

۱۳۹۳؛ سرلک و همکاران، ۱۳۹۶؛ طاهری عابد و همکاران، ۱۳۹۷ و نظری پور و همکاران، ۱۳۹۹)؛ بر کیفیت سود، پایداری سود و کیفیت اقلام تعهدی (منصورفر و همکاران، ۱۳۹۴ و بزرگ اصل و صالحزاده، ۱۳۹۴) و بر کیفیت افشای اطلاعات (بشیری منش و همکاران، ۱۳۹۷ و مهرانى و همکاران، ۱۳۹۹) تایید شده است.

با توجه به استدلال‌های بیان شده، از جنبه خوش بینانه انتظار می‌رود توانایی مدیران بر کیفیت گزارشگری تأثیر مثبت داشته و در نتیجه تحریف‌های با اهمیت صورت‌های مالی را کاهش دهد. از جنبه بدبینانه نیز انتظار می‌رود مدیران توانایی خود را در جهت منافع شخصی به کار گیرند یا به واسطه اعتماد بالایی که مدیران توانمند به خود دارند، کارایی سرمایه‌گذاری و سودآوری کاهش یابد و در نتیجه تحریف‌های با اهمیت صورت‌های مالی افزایش یابد. از این رو فرضیه دوم بدون جهت و به صورت زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه دوم: توانایی مدیریتی با تحریف‌های با اهمیت گزارش شده در گزارش حسابرس رابطه معنادار دارد.

احتیاط مدیریتی از طریق تشخیص بهتر تهدیدات یا فرصت‌های نوظهور و بهبود عملکرد ممکن است باعث کاهش تحریف صورت‌های مالی شود. از طرفی دیگر اقدامات احتیاطی از طریق کاهش قدرت خرید منابع نقدی و افزایش ارزش جایگزینی دارایی‌های سرمایه‌ای ممکن است به کاهش عملکرد و تمایل مدیران به تحریف صورت‌های مالی منجر شود. در هر دو حالت مدیران توانمند، در تشخیص فرصت‌ها و تهدیدها، تصمیم‌گیری برای اقدامات احتیاطی و حتی تحریف صورت‌های مالی بهتر عمل می‌کنند. از این رو انتظار می‌رود توانایی مدیر، رابطه احتیاط مدیریتی و تحریف‌های با اهمیت کشف شده را تعدیل کند.

فرضیه سوم: توانایی مدیریتی رابطه بین احتیاط مدیریتی و تحریف‌های با اهمیت گزارش شده در گزارش حسابرس را تعدیل می‌کند.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی؛ از لحاظ روش پژوهش تجربی، پس رویدادی؛ از لحاظ ماهیت علی-همبستگی و از لحاظ تئوری، در زمره پژوهش‌های اثباتی قرار دارد. همچنین این پژوهش مبتنی بر اطلاعات واقعی بازار سهام، صورت‌های مالی،

یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی و گزارش‌های مجامع شرکت‌های بورس اوراق بهادار است. در این تحقیق با برداشت مستقیم اطلاعات مورد نیاز از صورت‌های مالی، نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایت سازمان بورس، مجموع داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌ها جمع‌آوری شده است. در تجزیه و تحلیل اطلاعات، از رگرسیون لجستیک به صورت داده‌های تابلویی استفاده شده و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار اقتصادسنجی ایویوز نسخه ۱۰ استفاده شده است.

جامعه آماری

جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی پژوهش از سال ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۸ می‌باشد. نمونه‌گیری به روش حذفی و با توجه به محدودیت‌هایی که در جدول ۱ ارائه شده، انجام شده است. با توجه به محدودیت‌های اعمال شده تعداد ۱۳۰ شرکت انتخاب شد و نمونه پژوهش شامل ۹۱۰ سال-شرکت می‌باشد.

جدول ۱: غربالگری شرکت‌های نمونه

تعداد	شرح
۵۹۹	کل شرکت‌های فعال در سال ۹۸
۷۶-	شرکت‌هایی که بعد از سال ۹۲ پذیرش شده‌اند
۵۹-	وقفه معاملاتی بیشتر از ۳ ماه
۱۲-	تغییر سال مالی
۳۸-	لغو پذیرش
۱۶۴-	سرمایه‌گذاری، واسطه‌گرهای مالی، هلدینگ، بانک، بیمه و لیزینگ
۱۰۹-	صنایع غیر مرتبط
۱۱-	عدم دسترسی به اطلاعات مورد نیاز
۱۳۰	تعداد شرکت‌های باقیمانده

مدل‌های آزمون فرضیه‌ها

در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌های اول تا سوم پژوهش، به ترتیب از مدل‌های رگرسیونی اول تا سوم زیر استفاده شده است:

مدل (۱)

$$Fd_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Type_{it} + \alpha_2 Fsize_{it} + \alpha_3 Lev_{it} + \alpha_4 Volatility_{it} + \alpha_5 Duality_{it} + \alpha_6 Bbonus_{it} + \alpha_7 Go_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۲)

$$Fd_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 MAbility_{it} + \alpha_2 Fsize_{it} + \alpha_3 Lev_{it} + \alpha_4 Volatility_{it} + \alpha_5 Duality_{it} + \alpha_6 Bbonus_{it} + \alpha_7 Go_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۳)

$$Fd_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Type_{it} + \alpha_2 MAbility_{it} + \alpha_3 Type_{it} * MAbility_{it} + \alpha_4 Fsize_{it} + \alpha_5 Lev_{it} + \alpha_6 Volatility_{it} + \alpha_7 Duality_{it} + \alpha_8 Bbonus_{it} + \alpha_9 Go_{it} + \varepsilon_{it}$$

جدول ۲: متغیرها و نحوه اندازه گیری

نماد	متغیر	روش اندازه گیری
Type _{it}	احتیاط مدیریتی	بر اساس مدل هیسه و همکاران (۲۰۱۲).
Fd _{it}	تحریف با اهمیت مبنای تعدیل گزارش حسابر س	صفر برای سال-شرکت هایی بدون تحریف با اهمیت و یک برای سایر.
MAbility _{it}	توانایی مدیر	بر اساس مدل دمرجیان (۲۰۱۲).
Fsize _{it}	اندازه شرکت	لگاریتم مجموع ارزش بازار دارایی های شرکت.
Lev _{it}	اهرم مالی	تقسیم بدهی ها بر دارایی ها.
Volatility _{it}	نوسان فروش	انحراف معیار فروش سه سال قبل.
Duality _{it}	دوگانگی وظیفه مدیرعامل	اگر مدیرعامل، رئیس و یا نایب رئیس هیئت مدیره نیز باشد برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر.
Bbonus _{it}	پاداش هیئت مدیره	لگاریتم طبیعی پاداش سالانه هیئت مدیره.
Go _{it}	نرخ فرصت های رشد	ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام.

روش اندازه گیری متغیرهای وابسته و مستقل در ادامه به تفصیل ارائه شده است.

متغیرهای وابسته - تحریف های با اهمیت

برای مشاهده تحریف ها و اشتباه های رخ داده در شرکت ها به گزارش های حسابر س مستقل و بندهای گزارش های آن ها در دوره زمانی پژوهش مراجعه گردید. تعداد بندهای با اهمیت حسابداری تعدیل کننده گزارش حسابر س، ملاک اندازه گیری متغیر تحریف با اهمیت

قرار گرفت. از آنجایی که شرکت‌های دارای تحریف با اهمیت مبنای تعدیل گزارش حسابرسان بودند، این متغیر به صورت مجازی (صفر برای مواردی که هیچ تحریف با اهمیتی که مبنای تعدیل گزارش حسابرسان باشد وجود نداشته باشد و یک برای سایر) وارد مدل شد.

متغیر مستقل - احتیاط مدیریتی

طبق مبنای نظری پژوهش، در شرایط عدم اطمینان، بیشتر شرکت‌ها برای حفظ وضعیت مالی و جریان‌های نقدی خود در تلاش‌اند که استخدام کارکنان، هزینه‌های اختیاری و سرمایه‌گذاری در دارایی‌های سرمایه‌ای را کاهش دهند یا ثابت نگه دارند. در این پژوهش مطابق مطالعه هیسه و همکاران (۲۰۱۲)، شرکتی دارای احتیاط مدیریتی است که در یک سال از میان سه اقدام بالا، دست کم دو اقدام را به طور همزمان انجام دهد.

برای اندازه‌گیری کاهش یا ثابت نگه‌داشتن تعداد کارکنان (اعم از رسمی و قراردادی)، به پیروی از پژوهش هیسه و همکاران (۲۰۱۲) میانگین موزون سه ساله‌ی تعداد کارکنان مبنایی برای اندازه‌گیری کاهش یا عدم کاهش تعداد کارکنان و برای اندازه‌گیری کاهش یا ثابت نگه‌داشتن سرمایه‌گذاری در دارایی سرمایه‌ای، به پیروی از پژوهش تیتن و همکاران (۲۰۰۴) میانگین موزون سه ساله‌ی سرمایه‌گذاری در دارایی سرمایه‌ای، مبنایی برای اندازه‌گیری کاهش یا عدم کاهش سرمایه‌گذاری در دارایی سرمایه‌ای در نظر گرفته شده‌است. بدین منظور دو متغیر مجازی تعداد کارکنان (EMP) و سرمایه‌گذاری در دارایی سرمایه‌ای (INV) تعریف شده‌است و میانگین موزون تعداد کارکنان و سرمایه‌گذاری در دارایی سرمایه‌ای در سه سال قبل از سال t هر شرکت، از تعداد کارکنان و سرمایه‌گذاری در دارایی سرمایه‌ای شرکت در سال t کسر می‌شود (رابطه ۱)، چنانچه عدد به دست آمده منفی باشد، متغیر مجازی EMP و INV برابر با یک فرض می‌شود و در غیر این صورت صفر خواهد بود.

رابطه (۱)

$$\Delta CP_t = CP_t - \frac{(CP_{t-1} + CP_{t-2} + CP_{t-3})}{3}$$

ΔCP_t : تغییرات در تعداد کارکنان یا سرمایه‌گذاری در دارایی سرمایه‌ای؛

CP: تعداد کارکنان یا سرمایه‌گذاری در دارایی سرمایه‌ای برای سه سال متوالی.
کاهش هزینه‌های اختیاری: براساس مطالعه‌ای که هان و کیو (۲۰۰۷) انجام دادند،

شرکت‌ها در شرایط عدم اطمینان، به طور چشمگیری پس‌اندازهای احتیاطی را افزایش می‌دهند و تنها راه رسیدن به این هدف، کاهش هزینه‌های اختیاری است. مشابه پژوهش رویچودھاری (۲۰۰۶) از مدل ۴ برای تخمین هزینه‌های اختیاری غیرعادی در سطح هر صنعت، به صورت جداگانه استفاده شده است.

مدل (۴)

$$DISX_t/A_{t-1} = \alpha_0 + \alpha_1 (1/A_{t-1}) + \alpha_2 (S_{t-1}/A_{t-1}) + \varepsilon_t$$

$DISX_t$: جمع هزینه‌های اختیاری (هزینه‌های تبلیغات و تحقیق و توسعه) در سال t . در مواردی که هزینه‌ی تحقیق و توسعه وجود نداشته است، صفر در نظر گرفته شده است.

A_{t-1} : مجموع دارایی‌ها در سال قبل؛

S_{t-1} : فروش در سال قبل؛

ε_t : باقی‌مانده مدل.

همچنین سطح غیرطبیعی هزینه‌های اختیاری براساس باقی‌مانده‌ی رگرسیون اندازه‌گیری می‌شود. سپس با تعریف متغیر مجازی EXP روند کار ادامه می‌یابد، اگر باقی‌مانده رگرسیون منفی بود، این متغیر مجازی برابر با یک فرض می‌شود و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود. بعد از انجام مراحل بالا، شرکتی دارای احتیاط مدیریتی خواهد بود که در یک سال به طور همزمان، دو مورد از سه مورد سرمایه‌گذاری در دارایی‌های سرمایه‌ای، هزینه‌های اختیاری و استخدام کارکنان را کاهش داده باشد. به بیان دیگر، دو متغیر از سه متغیر مجازی INV و EMP و EXP آن شرکت برابر با یک باشد، در غیر این صورت آن شرکت احتیاط مدیریتی ندارد. در نهایت یک متغیر مجازی $TYPE$ تعریف می‌شود که اگر شرکتی دارای احتیاط مدیریتی باشد برابر با یک است و در غیر این صورت صفر خواهد بود.

یافته‌ها

آماره‌های توصیفی

خلاصه آماره‌های توصیفی در جدول شماره ۳، ارائه شده است. میانه و میانگین متغیرهای کمی پژوهش اختلاف کمی دارند، لذا متغیرها از توزیع نرمالی برخوردارند. میانگین توانایی مدیریتی منفی بوده که نشانه عدم کارایی مدیران در استفاده از ظرفیت‌های

شرکت‌ها است. در ۵۱ درصد از مشاهدات، تحریف با اهمیت توسط حساب‌برسان کشف و افشا گردیده، که می‌توان نشانه‌ای محسوس از ضعف کنترل‌های داخلی و حاکمیت شرکتی غالب شرکت‌های نمونه دانست. همچنین در ۵۴ درصد نمونه، مدیران علاقمند به اتخاذ رویه‌های احتیاطی بوده و در ۳۲ درصد نمونه، مدیران رئیس و یا نایب رئیس هیئت‌مدیره بودند که دارای نفوذ وسیع‌تری در شرکت می‌باشند.

جدول ۳: آمار توصیفی

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف استاندارد
توانایی مدیریتی	-۰/۰۱۵	-۰/۰۹۸	۰/۸۳۶	-۰/۴۵۸	۰/۲۷۹
اهرم مالی	۰/۶۰۶	۰/۶۰۰	۴/۰۰۲	۰/۰۹۰	۰/۲۶۶
نوسان فروش	۰/۱۸۹	۰/۱۴۵	۱/۷۶۳	۰/۰۰۵	۰/۱۷۸
پاداش هیئت‌مدیره	۴/۵۴	۶/۵۱	۱۱/۰۰۲	۰	۳/۵۷۶
نرخ فرصت‌های رشد	۲/۳۱۹	۲/۰۷۵	۴۳/۴۰۴	-۳۱/۹۱۲	۳/۳۷۹
اندازه شرکت	۱۴/۴۳۸	۱۴/۲۰۷	۱۹/۷۷۳	۱۰/۶۷۱	۱/۴۹۲

توزیع فراوانی

صفر	یک	
%۴۹	%۵۱	تحریف‌های با اهمیت
%۴۶	%۵۴	احتیاط مدیریتی
%۶۸	%۳۲	دوگانگی وظیفه مدیرعامل

نتایج آزمون فرضیه‌ها

با توجه به اینکه متغیر وابسته پژوهش، ساختگی و به صورت صفر و یک می‌باشد، از مدل رگرسیون لاجیت (لجستیک) استفاده شده است. در ادامه نتایج مربوط به هر یک از فرضیات پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نتایج مربوط به برآورد مدل اول مربوط به فرضیه اول در جدول شماره ۴ ارائه شده است. ضریب تعیین مدل برای رگرسیون لاجیت قابل قبول است و مقدار سطح معنی‌داری آماره LR کوچکتر از ۵ درصد است، در نتیجه کل الگوی رگرسیونی معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. با توجه به آماره Z و سطح معنی‌داری محاسبه شده برای

احتیاط مدیریتی، کمتر از سطح ۵ درصد می باشد، لذا فرض صفر را می توان رد کرد و فرضیه اول مبنی بر رابطه معنی دار احتیاط مدیریتی و تحریف های با اهمیت مبنای تعدیل گزارش های حسابرسی تایید می شود. همچنین مقدار ضریب برآورد شده برای احتیاط مدیریتی (۰/۵۷۵) مبین ارتباط مثبت بین احتیاط مدیریتی و تحریف های با اهمیت است. همچنین با توجه به ضریب، آماره Z و سطح معناداری، بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و پاداش هیئت مدیره با تحریف های با اهمیت رابطه منفی وجود دارد و بین اندازه شرکت با تحریف های با اهمیت رابطه مثبت وجود دارد. اهرم مالی، نوسان فروش و فرصت های رشد با تحریف های با اهمیت، رابطه معنی داری ندارند.

جدول ۴: نتایج برآورد مدل آزمون فرضیه اول

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره z	سطح معناداری
ضریب ثابت	-۳/۶۰۸	۰/۷۳۸	-۴/۸۸۵	۰/۰۰۰
احتیاط مدیریتی	۰/۶۷۵	۰/۱۳۹	۱/۹۷۷	۰/۰۲۸
اهرم مالی	۰/۱۹۹	۰/۲۸۵	۰/۶۹۸	۰/۴۸۵
نوسان فروش	۰/۰۳۵	۰/۳۸۵	۰/۰۹۲	۰/۹۲۶
دوگانگی وظیفه مدیرعامل	-۰/۳۹۷	۰/۱۴۴	-۲/۷۴۶	۰/۰۰۶
پاداش هیئت مدیره	-۰/۰۸۵	۰/۲۱۵	-۳/۹۴۷	۰/۰۰۰۱
نرخ فرصت های رشد	-۰/۰۱۷	۰/۰۲۱	-۰/۸۲۵	۰/۴۰۹
اندازه شرکت	۰/۲۷۸	۰/۰۵۱	۵/۴۴۸	۰/۰۰۰
آماره LR	۵۷/۵۸۳	احتمال آماره LR		۰/۰۰۰۰
اثرات ثابت سال و صنعت	کنترل شد	ضریب تعیین مک فادن		۰/۰۶۵۲

نتیجه آزمون فرضیه اول نشان می دهد برخلاف شواهد تجربی نظیر هیسه و همکاران (۲۰۱۲) و هاشمی و همکاران (۱۳۹۳) احتیاط مدیریتی تأثیر مثبتی بر کیفیت گزارشگری و کاهش تحریف های با اهمیت صورت های مالی ندارد. لذا در اقتصادهای تورمی نظیر ایران، اقدامات احتیاطی مدیران؛ کاهش قدرت خرید منابع نقدی، افزایش ارزش دارایی های سرمایه ای و در نتیجه کاهش عملکرد و تحریف صورت های مالی را به دنبال دارد.

نتایج مربوط به برآورد مدل دوم در جدول شماره ۵ ارائه شده است. طبق نتایج مندرج

در این جدول، مقدار سطح معنی‌داری آماره LR کوچکتر از ۵ درصد است، در نتیجه کل الگوی رگرسیونی معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. با توجه به آماره Z و سطح معنی‌داری محاسبه شده برای متغیر مستقل (توانایی مدیریتی)، کمتر از سطح ۵ درصد می‌باشد، از این رو فرض صفر می‌توان رد کرد. در نتیجه می‌توان اظهار داشت بین توانایی مدیریتی و تحریف‌های با اهمیت مبنای تعدیل گزارش‌های حسابرسی ارتباط معنادار وجود دارد. ضریب متغیر توانایی مدیریتی (۰/۷۵۱) نشان‌دهنده ارتباط مثبت بین توانایی مدیریتی و تحریف‌های با اهمیت است که از دیدگاه بدبینانه یا فرصت‌طلبانه مدیر حمایت می‌کند. همچنین با توجه به ضریب، آماره Z و سطح معناداری، متغیرهای دوگانگی وظیفه مدیرعامل و پاداش هیئت‌مدیره، دارای رابطه منفی و معنادار با تحریف‌های با اهمیت می‌باشند. سایر متغیرهای کنترلی ارتباط معناداری با عملکرد شرکت ندارند.

جدول ۵: نتایج برآورد مدل آزمون فرضیه دوم

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره Z	سطح معناداری
ضریب ثابت	۰/۲۳۲	۰/۲۷۳	۰/۸۵۰	۰/۳۹۵
توانایی مدیریتی	۰/۷۵۱	۰/۲۴۶	۲/۲۳۸	۰/۰۱۵
اهرم مالی	۰/۵۱۲	۰/۲۹۸	۱/۷۱۷	۰/۰۸۶
نوسان فروش	-۰/۱۰۸	۰/۳۸۲	-۰/۲۸۴	۰/۷۷۵
دوگانگی وظیفه مدیرعامل	-۰/۳۱۱	۰/۱۴۱	-۲/۲۰۶	۰/۰۲۷
پاداش هیئت‌مدیره	-۰/۰۵۵	۰/۰۲۰	-۲/۷۵۲	۰/۰۰۹
نرخ فرصت‌های رشد	-۰/۰۲۵	۰/۰۲۱	-۱/۲۱۰	۰/۲۲۵
آماره LR	۳۷/۰۸۹	احتمال آماره LR		۰/۰۰۰۱
اثرات ثابت سال و صنعت	کنترل شد	ضریب تعیین مک‌فادن		۰/۰۸۱۴

نتایج تخمین مدل سوم در جدول شماره ۶، نشان می‌دهد مقدار سطح معنی‌داری آماره LR کوچکتر از ۵ درصد است، در نتیجه الگوی رگرسیونی معنادار است و از اعتبار بالایی برخوردار است. با توجه به آماره Z و سطح معنی‌داری محاسبه شده برای متغیر تعاملی تأثیر تعدیلی توانایی مدیریتی بر احتیاط مدیریتی فرض صفر را نمی‌توان رد کرد. از این رو فرضیه تعدیل‌گری توانایی مدیریتی بر رابطه بین احتیاط مدیریتی و رخداد تحریف‌های با اهمیت مبنای تعدیل گزارش‌های حسابرسی تایید نمی‌شود. هر چند انتظار می‌رفت مدیران

توانمند، در تشخیص فرصت‌ها و تهدیدها، تصمیم‌گیری برای اقدامات احتیاطی و حتی تحریف صورت‌های مالی بهتر عمل کنند، ولی طبق نتایج تخمین مدل سوم، توانایی مدیریتی رابطه احتیاط مدیریتی و تحریف‌های با اهمیت کشف شده را تعدیل نمی‌کند. همچنین با توجه به ضریب، آماره Z و سطح معناداری، متغیرهای دوگانگی وظیفه مدیرعامل و پاداش هیئت‌مدیره، دارای رابطه منفی و معنادار با تحریف‌های با اهمیت می‌باشند. سایر متغیرهای کنترلی ارتباط معناداری با عملکرد شرکت ندارند.

جدول ۶: نتایج برآورد مدل آزمون فرضیه سوم

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره z	سطح معناداری
ضریب ثابت	۰/۰۴۲	۰/۲۹۱	۰/۱۴۴	۰/۸۸۴
احتیاط مدیریتی	۰/۲۶۹	۰/۱۳۷	۰/۹۶۱	۰/۰۴۹
توانایی مدیریتی	۰/۳۷۹	۰/۳۶۸	۱/۰۳۰	۰/۳۰۲
متغیر تعاملی احتیاط مدیریتی و توانایی مدیریتی	۰/۲۹۶	۰/۴۸۸	۰/۶۰۸	۰/۵۴۳
اهرم مالی	۰/۵۲	۰/۲۹۹	۱/۷۳۷	۰/۰۸۲
نوسان فروش	-۰/۰۵۸	۰/۳۸۴	-۰/۱۵	۰/۸۸۰
دوگانگی وظیفه مدیرعامل	-۰/۳۰۸	۰/۱۴۱	-۲/۱۷۹	۰/۰۲۹
پاداش هیئت‌مدیره	-۰/۰۴۹	۰/۰۲۰	-۲/۴۴۲	۰/۰۱۴
نرخ فرصت‌های رشد	-۰/۰۲۵	۰/۰۲۱	-۱/۱۸۳	۰/۲۳۶
آماره LR	۳۷/۰۸۹	احتمال آماره LR		۰/۰۰۰۱
اثرات ثابت سال و صنعت	کنترل شد	ضریب تعیین مک‌فادن		۰/۰۸۱۴

در ارتباط با مدل‌های پژوهش، نتایج آزمون هاسمر-لمشو در جدول ۷ نشان دهنده‌ی نیکویی مدل‌های برازش شده است. آماره‌ها بالاتر از ۵ درصد است و نشان می‌دهد متغیرهای مستقل قدرت توضیح‌دهندگی متغیر وابسته را دارند.

جدول ۷: آزمون هاسمر - لمشو

نتیجه	احتمال آماره	آماره کای دو	مدل
	۰/۶۵۲	۵/۹۵۳	مدل اول
تایید نیکویی مدل برازش شده	۰/۱۱۶	۱۴/۶۴۷	مدل دوم
	۰/۱۲۰	۱۴/۰۵۲	مدل سوم

بحث و نتیجه‌گیری

تحریف در ماهیت خود امری پنهان است و تشخیص آن دشوارتر از سایر بی‌نظمی‌های تأثیر گذار بر صورت‌های مالی برای حساب‌رسان است. سقوط چندین شرکت مطرح در گذشته اعتماد به حرفه حساب‌رسانی را از بین برد، و فاصله انتظاراتی میان حساب‌رسان و استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی را افزایش داد. لذا بهبود اثر بخشی حساب‌رسانی در رابطه با گزارشگری مالی، کمک زیادی به بازگرداندن اعتماد به حرفه می‌کند. در این خصوص حساب‌رسان می‌بایست فراتر از اعداد را بنگرند و از بینش‌های رفتاری و فرهنگی برای کمک به ذینفعان در شناسایی زمینه‌هایی که ممکن است در معرض تحریف قرار گیرند، استفاده کنند.

برخی شواهد تجربی از جمله هنری (۱۹۷۴)، کوکیمن (۱۹۸۰)، برنانک (۱۹۸۳) هورن و رایت (۱۹۹۴)، لی و وایت (۱۹۹۶)، جی سو و پریجی (۱۹۹۹)، بلوم (۲۰۰۹) و هیسه و همکاران (۲۰۱۲)، از رابطه منفی بین عدم اطمینان و سرمایه‌گذاری و برخی نظیر هارتمن (۱۹۷۲)، هابیل (۱۹۸۳) و کابالرو (۱۹۹۱) تحت شرایط خاصی، از رابطه مثبت رابطه بین سرمایه‌گذاری و عدم اطمینان حمایت کرده‌اند. در صورت وجود رابطه منفی، شواهد تجربی نظیر هیسه و همکاران (۲۰۱۲) از افزایش سودآوری شرکت، کاهش احتمال شکست تجاری و کاهش محافظه‌کاری حساب‌داری در اثر احتیاط مدیریتی حمایت کرده‌اند. نتیجه تحقیق حاضر نشان‌دهنده کاهش عملکرد، شفافیت گزارشگری و در نتیجه افزایش تحریف‌های صورت‌های مالی در اثر احتیاط مدیریتی است و به طور غیر مستقیم مؤید رابطه مثبت عدم اطمینان و سرمایه‌گذاری است و بر خلاف مطالعات هیسه و همکاران (۲۰۱۲)، چن و همکاران (۲۰۲۱) و هاشمی (۱۳۹۳) می‌باشد. همانطور که در قسمت تدوین فرضیه‌ها تشریح شده، این یافته دور از ذهن نبود زیرا اقدامات احتیاطی به کاهش یا توقف سرمایه‌گذاری در دارایی‌های سرمایه‌ای و افزایش منابع نقدی تا بر طرف شدن شرایط عدم اطمینان منجر می‌شود و در شرایط تورمی ایران، کاهش قدرت خرید منابع نقدی، افزایش ارزش دارایی‌های سرمایه‌ای و در نتیجه کاهش سودآوری را به دنبال دارد و مدیران برای حفظ منافع مادی (شامل پاداش) و غیر مادی خود دست به تحریف صورت‌های مالی می‌زنند.

یافته‌های تحقیق حاضر همچنین نشان داد که توانایی مدیر بر تحریف‌های با اهمیت

افشا شده در گزارش حساب‌برسان تأثیر مثبت دارد؛ که نشان می‌دهد ویژگی توانایی مدیران، می‌تواند رفتار و نوع تصمیمات آن‌ها و شفافیت گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار دهد. مدیران توانا از موقعیت منحصر بفرد و ویژگی‌های ذاتی، برای انجام تحریف، از طریق دستکاری کردن گزارش‌های ثبت شده حسابداری و تنظیم صورت‌های مالی اساسی متقلبانه، برخوردارند. یک مدیر توانا عموماً دانش و درک بالاتری از استانداردهای حسابداری، شرایط حال و آینده شرکت و صنعت داشته، و از طریق عدم تقارن اطلاعاتی، توانایی بیشتری در اعمال تحریفات هدفمند در گزارش‌های مالی برای رسیدن به اهداف خود دارند. در ادامه، نتایج حاکی از آن است؛ توانایی مدیر نمی‌تواند رابطه مثبت بین احتیاط مدیریتی و تحریف‌های با اهمیت افشا شده در گزارش حساب‌برسان را تعدیل کند. این یافته‌ها بر خلاف یافته‌های دم‌رجیان و همکاران (۲۰۱۳)؛ ماتسونانگا و همکاران (۲۰۱۳)؛ آندرو و همکاران (۲۰۱۷)؛ پیری و همکاران (۱۳۹۳)؛ منصورفر و همکاران (۱۳۹۴)؛ بزرگ اصل و صالح‌زاده (۱۳۹۴)؛ سرلک و همکاران (۱۳۹۶)؛ طاهری‌عابد و همکاران (۱۳۹۷)؛ بشیری منش و همکاران (۱۳۹۷)؛ نظری‌پور و مقصودپور (۱۳۹۹)؛ عطایی شریف و همکاران (۱۳۹۹) و مهرانی و همکاران (۱۳۹۹) می‌باشد. یافته‌های تحقیق در این خصوص مشابه هاتن و همکاران (۲۰۰۹)؛ کیم و لو (۲۰۱۱)؛ چانگ (۲۰۱۳)؛ آندرو و همکاران (۲۰۱۶)؛ کیم و همکاران (۲۰۱۶)؛ المامون و همکاران (۲۰۲۰)؛ هایدر و همکاران (۲۰۲۱) و مرادزاده فرد (۱۳۹۵) به جنبه‌های منفی توانایی مدیر یا استفاده منفی مدیر از توانایی‌های خود اشاره دارد.

با توجه به نتایج پژوهش، احتیاط مدیریتی در اقتصادهای تورمی نظیر ایران توصیه نمی‌گردد، زیرا کاهش کارایی سرمایه‌گذاری و عملکرد مالی و احتمالاً افزایش تحریف صورت‌های مالی را به دنبال دارد. همچنین جهت کاهش و کشف تحریف‌ها، حساب‌برسان باید به سبک مدیریتی، طرز فکر و انگیزه آن‌ها توجه ویژه داشته و با نگرش تردید حرفه‌ای به نوسانات هزینه‌های اختیاری، سرمایه‌گذاری در دارایی‌های سرمایه‌ای و تعداد کارکنان بنگرند. این نکته به آن‌ها کمک می‌کند تا درک بهتری از عواملی که ممکن است افراد را به سمت تحریف سوق دهند داشته باشند. سهامداران نیز می‌توانند به منظور دریافت گزارشگری مالی با کیفیت و عاری از تحریف، در زمان انتخاب اعضای هیئت‌مدیره به ویژگی‌های شخصیتی مدیران توجه کنند.

احتیاط مدیریتی کمتر در تحقیقات داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفته است و شواهد تجربی کمی در خصوص نحوه اندازه‌گیری، پیامدها و تأثیرات آن وجود دارد. از این رو تعمیم یافته‌های پژوهش حاضر نیاز به مطالعات بیشتری در شرایط اقتصادی ایران دارد. با توجه به اهمیت احتیاط مدیریتی و جایگزینی محافظه‌کاری حسابداری با آن، انجام مطالعات بیشتر در خصوص تأثیر و پیامدهای احتیاط مدیریتی بر جنبه‌های مختلف عملکرد و گزارشگری‌های مالی، مالیاتی و اجتماعی و قدرت بازار شرکت‌ها توصیه می‌گردد.

منابع

- امیرحسینی، زهرا. هادیان‌پور، امید. (۱۳۹۷). شفافیت افشا در خصوص فعالیت در ارزش‌گذاری حساب‌های ذخیره‌ای و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۸(۲۹)، ۲۱۱-۲۳۷.
- انصاری، عبدالمهدی. کمالی کرمانی، نرجس. (۱۳۹۱). بررسی عوامل موثر بر تصمیم حساب‌رسان جهت استفاده از ابزار کمکی تصمیم‌گیری در ارزیابی ریسک تقلب مدیریت. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۴(۱۶)، ۶۲-۷۹.
- برزگر، قدرت‌اله. ابراهیمی، جمیل. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر نظارت خارجی بر رابطه بین سرمایه اجتماعی احتمال تقلب. *پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*، ۹(۱۷)، ۱۱۴-۱۷۷.
- بزرگ‌اصل، موسی. صالح‌زاده، بیستون. (۱۳۹۴). رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تاکید بر اجزای تعهدی و جریان‌های نقدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابرسی*، ۱۴(۵۸)، ۱۵۳-۱۷۰.
- بشیری منش، نازنین. مهری کامرود، ملیحه. (۱۳۹۷). تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت افشای اطلاعات با تاکید بر محافظه‌کاری. *پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*، ۷(۱۲)، ۷۱-۹۰.
- بهرامی، آسو. نوروش، ایرج. راد، عباس. محمدی ملقرنی، عطااله. (۱۳۹۹). پیش‌بینی تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۶(۶۵)، ۳۵-۵۹.
- بیات، علی. جدیدی نقاش کار، جهانگیر. (۱۳۹۹). بررسی ارتباط ضعف‌های با اهمیت کنترل داخلی و شواهدی از دستکاری عملکرد واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۱۲(۴۷)، ۱۰۱-۱۱۴.

پیری، پرویز. دیدار، حمزه. خدایاریگانه، سیما. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی در طول چرخه عمر. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۶(۲۱)، ۹۹-۱۱۸.

حساس یگانه، یحیی. مداحی، آزاده. (۱۳۸۸). اثر بخشی فرآیند حسابرسی در کشف اشتباهات و تحریف‌های با اهمیت در صورت‌های مالی. پژوهش‌نامه حسابداری مالی و حسابرسی، ۱(۴)، ۴۹-۷۶.

خلیفه سلطانی، سید احمد. نایب محسنی، شیدا. (۱۳۹۷). سیاست تقسیم سود در شرکت‌های مشکوک به تقلب. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۰(۳۷)، ۴۱-۵۶.

خواجوی، شکراله. تقی‌زاده، رضا. صادق‌زاده مهارلوئی، محمد. (۱۳۹۷). تقلب و تحلیل شبکه‌های اجتماعی. مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۷(۲۷)، ۵-۱۸.

رحمانی، حلیمه. رجب‌دري، حسین. روستامیندی، اعظم. (۱۳۹۷). بررسی لزوم توجه بیشتر به حسابداری قانونی. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۰(۳۷)، ۷۳-۸۸.

رضائی، مهدی. ناظمی اردکانی، مهدی. ناصر صدرآبادی، علیرضا. (۱۳۹۹). کشف تقلب صورت‌های مالی با توجه به گزارش حسابرسی صورت‌های مالی. حسابداری مدیریت، ۱۳(۴۵)، ۱۴۱-۱۵۳.

زلفی، حسن. بیات، مرتضی. (۱۳۹۴). نقش دیدگاه حسابداری محافظه‌کاری در مدیریت نقدینگی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۵(۱۸)، ۱۵-۲۸.

سرلک، نرگس. شیخ‌الاسلامی، فرامرز. ایزدپور، مصطفی. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر توانایی مدیران بر کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های نوین حسابداری و حسابرسی، ۱(۱)، ۷۴-۹۲.

شمس، زهرا. ملا نظری، مهناز. (۱۳۹۸). مدل عوامل موثر بر قضاوت و تصمیم‌گیری در خصوص تقلب مرتبط با دارایی‌ها. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۹(۳۳)، ۲۷۷-۳۰۰.

صفی‌پور افشار، مجتبی. پورحیدری، امید. بهارمقدم، مهدی. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر مدیریت حسابرسی توسط مدیران بر کشف تحریفات توسط حساب‌رسان با لحاظ ویژگی‌های تردید حرفه‌ای حسابرس. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۷(۲۵)، ۶۷-۸۰.

طاهری عابد، رضا. علی‌تزاز سارو کلائی، مهدی. فغانی ماکرانی، خسرو. (۱۳۹۷). توانایی، دانش مالی مدیران عامل و شفافیت گزارشگری مالی. دانش حسابداری مالی، ۵(۲)،

- عباسی، ابراهیم. فهمی، محبوبه. (۱۳۹۹). مدل تشخیص تقلب در اظهارنامه‌های مالی با استفاده از ابزار نسبت‌های مالی. *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، ۹(۳۶)، ۹۹-۱۲۲.
- عبداله زاده، سلام. محمدی ملقرنی، عطااله. نوروش، ایرج. امینی، پیمان. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر آنتروپی نسبت‌های نقدینگی و اهرمی بر شناسایی شرکت‌های مشکوک به تقلب در گزارشگری مالی. *دانش حسابرسی*، ۱۸(۷۲)، ۷۹-۹۶.
- عبدلی، محمدرضا. نادعلی، علی اکبر. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر وجود حسابرس داخلی بر کاهش رخدادهای تحریف‌های مالی و قانونی و مالیاتی در شرکت‌ها. *دانش حسابرسی*، ۱۵(۶۱)، ۱۷۷-۱۹۲.
- عطایی شریف، عباس. لشگری، زهرا. خسروی پور، نگار. (۱۳۹۹). اثر تعاملی توانایی مدیریت و درماندگی مالی بر کیفیت حسابرسی (شواهد تجربی: بورس اوراق بهادار تهران). *دانش حسابرسی*، ۲۰(۷۸)، ۷۶-۹۶.
- علیخانی دهقی، حسین. ایزدی‌نیا، ناصر. کیانی، غلامحسین. (۱۳۹۹). پیش‌بینی تحریف‌های حسابداری بر اساس داده کاوی. *پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*، ۹(۱۶)، ۲۵۷-۲۸۶.
- فخاری، حسین. امیری، اسماعیل. (۱۳۹۹). علل و پیامدهای خرید اظهارنظر حسابرس. *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، ۹(۳۶)، ۵-۲۶.
- قادری، کاوه. قادری، صلاح‌الدین. قادرزاده، سید کریم. (۱۳۹۸). نقش توانایی مدیریت در ارتقای کیفیت کنترل داخلی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۸(۲۱)، ۷۱-۹۰.
- قالیباف اصل، حسن. نیک روش، مهدی. دولت کامی، مصطفی. امامی، علی. (۱۳۹۴). محافظه‌کاری شرطی حسابداری و انعطاف پذیری مالی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۴(۱۶)، ۱۰۷-۱۲۳.
- کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی سازمان حسابرسی. (۱۳۹۹). *استانداردهای حسابرسی*. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی.
- محمدی، علی. رنجبرپور، زهرا. سعیدآبادی، سمانه. (۱۳۹۹). تأثیر تعدیل‌کنندگی آشفتگی مالی بر رابطه بین توانایی مدیریت و حقالزحمه حسابرسی. *دانش حسابرسی*، ۲۰(۷۸)، ۹۷-۱۲۳.
- مرادزاده فرد، مهدی. (۱۳۹۵). توانایی مدیریتی، کارآیی سرمایه‌گذاری و ریسک سقوط قیمت سهام. *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۳(۵۰)، ۲۵-۵۶.

مسن آبادی فراهانی، فاطمه. کریمی تبریزی، مهدی. زنجیردار، مجید. (۱۳۹۶). تأثیر احتیاط و کنترل مدیریت بر حساسیت سرمایه‌گذاری به جریان‌های نقدی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۶(۲۴)، ۲۷-۴۰.

ممشلی، رضا. کارشناسان، علی. (۱۳۹۸). تأثیر کیفیت حسابرسی بر بیش‌اطمینانی مدیران و احتمال گزارشگری متقلبانه: رویکرد چند بُعدی ترکیبی. *پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*، ۸(۲)، ۱۵-۲۰۸.

منصورفر، غلامرضا. دیدار، حمزه. حسین پور، وحید. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری*، ۷(۱)، ۳۷-۵۴.

موسوی بیوکی، فاطمه‌السادات. برزگری خانقاه، جمال. (۱۳۹۵). مروری بر مطالعات و مفاهیم تقلب در حسابداری و حسابرسی. *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، ۴(۱۶)، ۵۸-۷۳.

مهرانی، کاوه. نظری، هیراد. قاسمی‌فرد، محمدرضا. (۱۳۹۹). توانایی مدیریت و گزارشگری مالی به‌موقع. *پیشرفت‌های حسابداری*، ۱۲(۱)، ۳۲۳-۳۵۱.

نظری پور، محمد. مقصودپور، صلاح‌الدین. (۱۳۹۹). تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه. *دانش حسابداری*، ۱۱(۴۱)، ۱۶۹-۲۰۷.

هاشمی، سیدعباس. اصغری، مریم. صدری‌زاده، سحر. (۱۳۹۷). تأثیر توانایی مدیریت و رقابت در بازار محصول بر چسبندگی هزینه‌ها. *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، ۷(۲۶)، ۳۱-۴۴.

هاشمی، سیدعباس. امیری، هادی. احمدی، میلاد. (۱۳۹۳). تأثیر احتیاط مدیریتی بر عملکرد عملیاتی و محافظه‌کاری حسابداری. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۱(۳)، ۳۸۷-۴۰۷.

Abbasi, E., & Fahimi, M. (2020). Fraud detection model in financial statements bY using financial equity instruments. *Accounting and Auditing Studies*, 9(36), 99-122. [In persian].

Abdoli, M, R., & Nadali, A, A. (2015). Investigating the effect of having an internal auditor on reducing the occurrence of financial, legal and tax distortions in companies. *Audit Science*, 15(61), 192-177. [In persian].

- Abdollahzadeh, S., Mohammadi Molgherni, A., Noravesh, I., & Amini, P. (2018). Investigating the effect of entropy of financial ratios on identifying companies suspected of fraud in financial reporting. *Audit Science*, 18(72), 79-96. [In persian].
- Abel, A. B. (1983). Optimal investment under uncertainty. *The American Economic Review*, 73(1), 228–233.
- Alikhani Dehaghi, H., Izadinia, N., & Kiani, G. (2020). Predicting accounting misstatements using data mining in firms listed in Tehran Stock Exchange. *Applied Research in Financial Reporting*, 9(1), 257-286. [In persian].
- Al Mamun, Md., Balachandran, B., & Duong, H. N. (2020). Powerful CEOs and stock price crash risk. *Journal of Corporate Finance*, 62, 101582.
- Amirhosseini, Z., & Hadianpor, O. (2018). Disclosure transparency related to activity in valuation of reserve accounts and accruals-based earnings management. *Empirical Research in Accounting*, 8(3), 211-237. [In persian].
- Andreou, P. C., Louca, C., Panayides, P. M., & Petrou, A. P. (2016). CEO age and stock price crash risk. *Review of Finance*, 21(3), 1287-1325.
- Andreou, P., Ehrlich, D., & Louca, C. (2017). The impact of managerial ability on crisis-period corporate investment. *Journal of Business Research*, 79, 107-122.
- Ansari, A., & Kamali Kermani, N. (2012). An examination of the factors that influence Auditors' decision to use 'a decision aid' in sssessment of management fraud risk. *Accounting and Auditing Research*, 4(16), 62-79. [In persian].
- Atai Sharif, A., Lashgari, Z., & KhosraviPour, N. (2020). Interactive effect of financial management ability and helplessness on audit quality (empirical evidence: Tehran Stock Exchange), *Audit Science*, 20 (78), pp. 96-76. [In persian].
- Auditing Standards Development Committee of auditing organization. (2020). auditing standards. Tehran: Publications of the Accounting and Auditing Research Center of the Auditing Organization. [In persian].
- Badertscher, B. A. (2011). Overvaluation and the choice of alternative earnings management mechanisms. *The Accounting Review*, 86 (5): 1491–1518.
- Bahrami, A., Noravesh, I., Raad, A., & Mohamadi Molqarani, A. (2020). Forecasting the financial statements fraud detection of

- companies listed on the Stock Exchange. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 17(65), 35-59. [In persian].
- Barzegar, G., & Ebrahimi, J. (2021). Examining the effect of external monitoring on the relationship between social capital and probability of fraud. *Applied Research in Financial Reporting*, 9(2), 77-114. [In persian].
- Bashirimanesh, N., & Mehri Kamrod, M. (2018). Impact of management ability on information disclosure quality with an emphasis on conservatism. *Applied Research in Financial Reporting*, 7(1), 71-90. [In persian].
- Bates, T. W., Kahle, K. M., & Stulz, R. M. (2009). Why do U.S. firms hold so much more cash than they used to? *The Journal of Finance*, 64(5), 1985–2021.
- Bayat, A., & Jodeiri, J. (2020). Investigating the relationship between weaknesses with the importance of internal control and evidence of actual performance manipulation in companies listed in the Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Research*, 12(47), 101-114. [In persian].
- Bernanke, B. S. (1983). Irreversibility, uncertainty, and cyclical investment. *The Quarterly Journal of Economics*, 98(1), 85–106.
- Bertrand, M., & Schoar, A. (2003). Managing with style: The effect of managers on firm policies. *The Quarterly Journal of Economics*, 118(4), 1169–1208.
- Bhojraj, S., Hribar, P., Picconi, M., & McInnis, J. (2009). Making sense of cents: An examination of firms that marginally miss or beat analyst forecasts. *The Journal of Finance*, 64(5), 2361–2388.
- Bloom, N. (2009). The impact of uncertainty shocks. *Econometrica*, 77(3) 623–685.
- Bozorgasl, M., & Salehzadeh, B. (2015). Relationship between earnings management ability and stability with emphasis on accrual components and cash flows in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Audit Science*, 14(58), 153–170. [In persian].
- Butler, A. W., Cornaggia, J., Grullon, G., & Weston, J. P. (2011). Corporate financing decisions, managerial market timing, and real investment. *Journal of Financial Economics*, 101(3), 666–683.
- Caballero, R. J. (1991). On the sign of the investment–uncertainty relationship. *The American Economic Review*, 81(1), 279–288.
- Callen, J. L., & Fang, X. (2013). Institutional investor stability and crash risk: Monitoring versus short-termism? *Journal of Banking & Finance*, 37(8), 3047-3063.
- Callen, J. L., & Fang, X. (2015). Religion and stock price crash risk.

- Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 50(1-2), 169-195.
- Carroll, C. D., & Kimball, M. S. (2008). Precautionary saving and precautionary principle. In: *The New Palgrave Dictionary of Economics*, S. Durlauf and L. Blume, Eds.: Palgrave Macmillan, Second Ed.
- Chen, J. Z., Rees, L., & Sivaramakrishnan, K. (2011). On the use of accounting vs. real earnings management to meet earnings expectations — A market analysis. *Working paper*: University of Colorado at Boulder, Texas A&M University, and University of Houston.
- Chen, D., Wang, F., & Xing, C. (2021). Financial reporting fraud and CEO pay-performance incentives. *Journal of Management Science and Engineering*, 6(2), 197-210.
- Cohen, D. A., Dey, A., & Lys, T. Z. (2008). Real and accrual-based earnings management in the pre- and post-Sarbanes–Oxley periods. *The Accounting Review*, 83(3), 757–787.
- Cukierman, A. (1980). The effect of uncertainty on investment under risk neutrality with endogenous information. *Journal of Political Economy*, 88(3), 462–475.
- Denis, D. J., & Sibilkov, V. (2011). Financial constraints, investment, and the value of cash holdings. *The Review of Financial Studies*, 23 (1), 247–269.
- Demerjian, P., Lev, B., & McVay, S. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. *Management science*, 58(7), 1229-1248.
- Demerjian, P., Lewis-Western, M., & McVay, S. (2017). How do intentional earnings smoothing vary with managerial ability? *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 35(2), 406-437.
- Demerjian, P. R., Lev, B., Lewis, M. F., & McVay, S. E. (2013). Managerial ability and earnings quality. *The Accounting Review*, 88(2), 463-498.
- Drèze, J. H., & Modigliani, F. (1972). Consumption decisions under uncertainty. *Journal of Economic Theory*, 5 (3), 308–335.
- Dyreg, S., Hanlon, M., & Maydew, E. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance, *The Accounting Review*, 85(4), 1163-1189.
- Ghaderi, K., Ghaderi, S., & ghaderzadeh, K. (2019). Managerial ability and internal control quality. *Empirical Research in Accounting*, 9(1), 71-92. [In persian].
- Ghalibaf Asl, H., Nikraves, M., Dolatkami, M., & Emami, A. (2015). Conditional accounting conservatism and financial flexibility. *Empirical Research in Accounting*, 5(2), 107-123. [In persian].

- Fakhari, H., & Amiri, E. (2020). Causes and consequences of audit opinion shopping. *Accounting and Auditing Studies*, 9(36), 5-26. [In persian].
- Gunny, K. A. (2011). The relation between earnings management using real activities manipulation and future performance: Evidence from meeting earnings benchmarks. *Contemporary Accounting Research*, 27(3), 855-888.
- Guiso, L., & Parigi, G. (1999). Investment and demand uncertainty. *The Quarterly Journal of Economics*, 114(1), 185-227.
- Habib, A., & Hasan, M. M. (2017). Managerial ability, investment efficiency and stock price crash risk, *Research in International Business and Finance*, 24, 262-274.
- Han, S., & Qiu, J. (2007). Corporate precautionary cash holdings. *Journal of Corporate Finance*, 13(1), 43-57.
- Hartman, R. (1972). The effect of price and cost uncertainty on investment. *Journal of Economic Theory*, 5(2), 258-266.
- Hashemi, S., Amiri, H., & Ahmadi, M. (2014). The impact of managerial caution on operating performance and accounting conservatism. *Accounting and Auditing Review*, 21(3), 387-407. [In persian].
- Hashemi, S., Asghari, M., & Sadrizade, S. (2018). The Effect of managerial ability and product market competition on selling, general and administrative costs stickiness of the listed companies. *Accounting and Auditing Studies*, 7(26), 31-44. [In persian].
- HasasYeganeh, Y., & Madahi, A. (2009). The effectiveness of the audit process in detecting significant errors and misstatements in the financial statements. *Financial Accounting and Auditing Research*, 1 (4), 49-76. [In persian].
- Henry, C. (1974). Investment decisions under uncertainty: The "irreversibility effect." *The American Economic Review*, 64(6), 1006-1012.
- Hilary, G., & Hui, K. W. (2009). Does religion matter in corporate decision making in America? *Journal of Financial Economics*, 93(3), 455-473.
- Hsihe, C. C., Zhiming, M., & Novoselov, K. E. (2012). Managerial caution, operating performance, and accounting conservatism. American Accounting Association Annual Meeting and conference teaching and learning in accounting. August 4-8, Washington, DC.
- Hutton, A. P., Marcus, A. J., & Tehranian, H. (2009). Opaque financial reports, R2, and crash risk. *Journal of Financial Economics*, 94(1), 67-86.

- Hurn, A. S., & Wright, R. E. (1994). Geology or economics? Testing models of irreversible investment using North Sea oil data. *The Economic Journal*, 104 (423), 363–371.
- Haider. I., Harjinder., S., & Nigar. S. (2021). Managerial ability and accounting conservatism. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 17(1), 100242
- Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305-360.
- Jiang, F., Zhu, B., & Huang, J. (2013). CEO's financial experience and earnings management. *Journal of Multinational Financial Management*, 23(3):134-145.
- Khajavi, S., Taghizadeh, R., & Sadeghzadeh Maharlui, M. (2018). Fraud and Social Network Analysis. *Accounting and Auditing Studies*, 7(27), 5-18. [In persian].
- Khalifeh Soltani, S., & Nayeb Mohseni, S. (2018). Dividend policy at firms suspected of accounting fraud. *Accounting and Auditing Research*, 10(37), 41-56. [In persian].
- Kim, H. E., & Lu, Y. (2011). CEO ownership, external governance, and risk-taking. *Journal of Financial Economics*, 102(2), 272-292.
- Kim, J. B., & Zhang, L. (2016). Accounting conservatism and stock price crash risk: Firm-level evidence. *Contemporary Accounting Research*, 33(1), 412-441.
- Kim, J. B., Wang, Z., & Zhang, L. (2016). CEO overconfidence and stock price crashrisk. *Contemporary Accounting Research*, 33(4), 1720-1749.
- Kimball, M. S. (1990). Precautionary saving in the small and in the large. *Econometrica*, 58(1), 53–73.
- LaFond, R., & Roychowdhury, S. (2008). Managerial ownership and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*, 46(1), 101–135.
- Lambdsdorff, J. G. (2003). How corruption affects persistent capital flows. *Economics of Governance*, 4(3), 229-243.
- Leahy, J. V., & Whited, T. M. (1996). The effect of uncertainty on investment: Some stylized facts. *Journal of Money, Credit and Banking*, 28(1), 64–83.
- Leland, H. E. (1968). Saving and uncertainty: The precautionary demand for saving. *The Quarterly Journal of Economics*, 82(3), 465–473.
- Mamashli, R., & Karshenasan, A. (2020). The Effect of audit quality on managerial over confidence and the possibility of fraudulent

- reporting: multi-dimensional (Hybrid) approach. *Applied Research in Financial Reporting*, 8(2), 169-208. [In persian].
- Masnabadi Farahani, F., Karimi Tabrizi, M., & Zanjirdar, M. (2017). Effect of caution and control the sensitivity of Investment to cash flow management. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 6(24), 27-40. [In persian].
- Mansourfar, G., Didar, H., & Hosseinpour, V. (2015). The effect of managerial ability on earning quality of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Accounting Research*, 7(1), 37-54. [In persian].
- Matsunaga, S. R., Wang, S. & Yeung, P. E. (2013). Does appointing a former CFO as CEO influence a firm's accounting policies? *Working Paper*, University of Oregon.
- Mehrani, K., Nazari, H., & Ghasemi Fard, M. (2020). *Managerial Ability and Financial Reporting Timeliness*, 12(1), 323-351. [In persian].
- Miao, J., & Wang, N. (2011). Risk, uncertainty, and option exercise. *Journal of Economic Dynamics & Control*, 35(4), 442-461.
- Mohammadi, A., Ranjbarpour, Z., & Saeedabadi, S. (2020). The moderating effect of financial turmoil on the relationship between management ability and audit remuneration. *Audit Science*, 20 (78), 123-97. [In persian].
- Moradzadeh Fard, M. (2016). Managerial talent, investment efficiency and stock price crash risk. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 13(50), 25-56. [In persian].
- Mousavi Bioki, F., & Bozorgi Khanghah, J. (2016). The review of studies and concepts of fraud in accounting and auditing. *Accounting and Auditing Studies*, 4(16), 58-73. [In persian].
- Nazaripour, M., & Maghsodpour, S. (2020). Influence of political connections on the relationship between management ability and fraudulent financial reporting. *Journal of Accounting Knowledge*, 11(2), 169-207. [In persian].
- Nishimura, K. G., & Ozaki, H. (2004). Search and Knightian uncertainty. *Journal of Economic Theory*, 119(2), 299-333.
- Piri, P., Didar, H., & Khodayar Yeganeh, S. (2014). Investigating the effect of management ability on the financial reporting quality during life cycle, of the companies listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Accounting Research*, 6(3), 99-118. [In persian].
- Rahmani, H., Rajabdoory, H., & Roosta Meymandi, A. (2018). Investigating the necessity of the paying more attention to

- forensic accounting. *Accounting and Auditing Research*, 10(37), 73-88. [In persian].
- Rezaie, M., Nazemi Ardakani, M., & Naser Sadrabadi, A. (2020). The detection of financial statements fraud according to audit report of financial statments. *Management Accounting*, 13(45), 141-153. [In persian].
- Riddick, L. A., & Whited, T. M. (2009). The corporate propensity to save. *The Journal of Finance*, 64(4), 1729–1766.
- Robin, A., & Zhang, H. (2015). Do industry-specialist auditors influence stock price crash risk? *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 34(3), 47-79.
- Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42(3), 335–370.
- Sadgali, I., Sael, N., & Benabbou, F. (2019). Performance of machine learning techniques in the detection of financial frauds. *Procedia Computer Science*, 148, 45-54.
- Sarlak, N., Sheykholeslami, F., & Izadpour, M. (2017). The effect of managers' ability on investment efficiency in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of New Researches in Accounting and Auditing*, 1(1), 73-92. [In persian].
- Shams, Z., & Molanazari, M. (2019). Factors affecting Judgments and decision making in respect of assets misappropriation. *Empirical Research in Accounting*, 9(3), 277-300. [In persian].
- Safipour Afshar, M., Pourheidari, O., & Bahar Moghadam, M. (2018). The Effect of audit management by managers on detection of misstatements by auditors considering professional skepticism of auditors. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 7(25), 67-80. [In persian].
- Stout, L. A. (1988). The unimportance of being efficient: An economic analysis of stock market pricing and securities regulation. *Michigan Law Review*, 87(3), 613-709.
- Taheri Abed, R., Alinezhad Sarokolaei, M., & Faghani Makerani, K. (2018). Ability, CEOs's financial knowledge and financial reporting transparency. *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 5(2), 85-110. [In persian].
- Titman, S., Wei, K. C. J., & Xie, F. (2004). Capital investments and stock returns. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 39(4), 677–700.
- Vlad, M., Tulvinschi, M., & Chiriță, I. (2011). The consequences of fraudulent financial reporting. *The USV Annals of Economics and Public Administration*, 11(1), 264-268.

-
- Wang, Z., Chen, M. H., Chin, C. L., & Zheng, Q. (2017). Managerial ability, political connections, and fraudulent financial reporting in China. *Journal of Accounting and Public Policy*, 36(2), 141-162.
- Zalaghi, H., & Bayat, M. (2015). Accounting conservatism and liquidity management. *Empirical Research in Accounting*, 5(4), 15-28. [In persian].
- Zang, A. Y. (2012). Evidence on the trade-off between real activities manipulation and accrual-based earnings management. *The Accounting Review*, 87(2), 675-703.